



Article Type: Research paper

## An Investigation of the Impact of Knowledge-Based Economic Factors on Inclusive Growth in Selected Islamic Countries

\***Mohammad Ghaffary Fard**<sup>1</sup>, **seyed hasan ghavami**<sup>2</sup>, **Omid Haidari**<sup>3</sup>

1. Economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Ahlul Bayt international university, Tehran, Iran.
2. Economics, Department of economics, University of Alameh Tabatab'ei, Tehran, Iran.
3. Msc of Economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Ahlul Bayt International University, Tehran, Iran.

### Article Info.

Received: 19/9/2024

Accepted: 29/11/2025

Available Online: 10/1/2026

### Keywords:

**Inclusive Growth, knowledge-based Economy, Panel data, Selected Islamic Countries.**

\* **Corresponding Author:**

**Dr. Mohammad Ghaffary Fard**

**Address:** Economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Ahlul Bayt international university, Tehran, Iran.

**E-mail:**  
mghaffaryfard@abu.ac.ir

### Abstract

The knowledge-based economy, as a new economic model, has a significant impact on inclusive growth. This type of economy focuses on the use of knowledge, technology, and innovation to produce goods and services. Since knowledge and technology are recognized, the impact of the knowledge-based economy on inclusive growth is very important. The present study examines the impact of knowledge-based economy components on inclusive growth in the Islamic countries of Afghanistan, Iran, Saudi Arabia, Pakistan, Uzbekistan, Tajikistan, Turkey, Oman, Kuwait, Iraq, Algeria, Bahrain, Jordan, Malaysia, Indonesia, Qatar, Kazakhstan, and the United Arab Emirates using statistical data provided by the World Bank from 2006 to 2020 using the panel data method (FMOLS) in two models. The results indicate a significant and long-term relationship between knowledge-based economy components and inclusive growth, such that the components of education and human resource development, innovation system, and information infrastructure have a positive and significant effect, and the economic incentives index has a negative and significant effect on inclusive growth. Similarly, the second model shows a positive and significant effect of the composite index of the knowledge-based economy on inclusive growth, such that with a one percent increase in the composite index of the knowledge-based economy, inclusive growth increases by (0.281). Therefore, in order to increase inclusive growth in selected Islamic countries, economic policymakers should prioritize the promotion of technology and information infrastructure, investment in education and research, promotion of knowledge and expertise, and support and encouragement of the private sectors.

### How to Site:

Ghaffary Fard, M., Ghavami, S. H. and Haidari, O. (2025). An Investigation of the Impact of Knowledge-Based Economic Factors on Inclusive Growth in Selected Islamic Countries. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(4), 32-59.



## بررسی تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان در رشد فراگیر در کشورهای منتخب اسلامی

\* محمد غفاری فرد<sup>۱</sup>، سید حسن قوامی<sup>۲</sup>، امید حیدری<sup>۳</sup>

۱. دکتری، علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت، تهران، ایران
۲. دکتری، علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۳. کارشناسی ارشد، علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت، تهران، ایران

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۹ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۸ آذر ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۱۰ دی ۱۴۰۴

### چکیده

اقتصاد دانش بنیان به‌عنوان یک مدل اقتصادی جدید، تأثیر قابل توجهی در رشد فراگیر دارد. این نوع اقتصاد بر اساس استفاده از دانش، فناوری و نوآوری بر تولید کالا و خدمات تمرکز دارد. از آنجاکه دانش و فناوری به‌عنوان محرک‌های اصلی رشد و توسعه در اقتصاد دانش بنیان شناخته می‌شوند، تأثیر اقتصاد دانش بنیان در رشد فراگیر بسیار مهم است. تحقیق حاضر تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان در رشد فراگیر در کشورهای اسلامی افغانستان، ایران، عربستان سعودی، پاکستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکیه، عمان، کویت، عراق، الجزایر، بحرین، اردن، مالزی، اندونزی، قطر، قزاقستان، تونس و امارات متحده عربی را با استفاده از داده‌های آماری، که بانک جهانی ارائه کرده، بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۰ با به‌کارگیری روش پنل دینا (FMOLS) در دو مدل بررسی کرده است. نتایجی که از مدل اول به دست آمده بیان‌کننده رابطه معنی‌دار و بلندمدت بین مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان و رشد فراگیر در کشورهای منتخب اسلامی است، به نحوی که مؤلفه‌های آموزش و توسعه منابع انسانی، سیستم نوآوری و زیرساخت‌های اطلاعاتی تأثیر مثبت و معنی‌داری و همچنان شاخص مشوق‌های اقتصادی تأثیر منفی و معنی‌داری در رشد فراگیر دارند. به همین ترتیب، مدل دوم نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنی‌داری شاخص ترکیبی اقتصاد دانش بنیان در رشد فراگیر است، به نحوی که با افزایش یک درصد در شاخص ترکیبی اقتصاد دانش بنیان، رشد فراگیر به اندازه ۰٫۲۸۱٪ افزایش می‌یابد بنابراین سیاست‌گذاران اقتصادی برای افزایش رشد فراگیر کشورهای منتخب اسلامی باید ارتقای سطح دانش و تخصص، حمایت و تشویق بخش‌های خصوصی را در اولویت‌های کاری خویش قرار دهند.

### کلیدواژه‌ها:

رشد فراگیر، اقتصاد  
دانش بنیان، پنل دینا،  
کشورهای منتخب اسلامی.

### \* نویسنده مسئول:

دکتر شیوا علیزاده

نشانی: استادیار مطالعات منطقه‌ای،  
دانشگاه تهران.

پست الکترونیک:

mghaffaryard@abu.ac.ir

### استناد به این مقاله:

غفاری فرد، محمد، قوامی، سید حسن و حیدری، امید. (۱۴۰۴). بررسی تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان بر رشد فراگیر در کشورهای منتخب اسلامی. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۷(۴)، ۳۲-۵۹.

## ۱. مقدمه

رشد فراگیر به‌عنوان یکی از مفاهیم جدید در ادبیات اقتصادی کشورها در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان در کشورهای مختلف دنیا قرار گرفته است. در تعریفی که کمیته کمک‌های توسعه‌ای (OECD) ارائه کرده رشد شهری به مفهوم ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید برای کلیه اقشار جامعه به‌ویژه طبقات محروم و فقیر جامعه است. به بیان دیگر، در رشد اقتصادی فراگیر بخش فقیر جامعه در مقایسه با دیگر طبقات درآمدی جامعه از رشد درآمدی بالاتری برخوردار می‌شوند (Sadeghi, 2013: 206). بنابراین در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر رشد فراگیر، می‌توان ادعا کرد که در عصر حاضر در کلیه جوامع اقتصادی هر نوع ترقی و توسعه‌ای متأثر از پیشرفت علم و دانش است؛ تکامل همه متغیرهای اقتصادی، رشد فراگیر، رفاه ملی، توسعه زیرساخت‌ها و تکامل چرخه‌های اقتصادی وابسته به دانش است. هر متغیر و فعالیت اقتصادی که با دانش همراه باشد، توسعه و پیشرفت قابل توجهی را در نظام‌های اقتصادی به وجود می‌آورد بنابراین می‌توان گفت که اقتصاد دانش‌محور بر تمامی ابعاد اقتصادی اثرگذار بوده و یکی از عوامل اساسی و مهم توسعه، رشد، بهره‌وری و رفاه است.

مسئله اصلی در تحقیق حاضر این است که همواره یکی از اهداف مهم و اساسی کشورها و دولت‌ها دستیابی به رفاه و رشد اقتصادی بالا و کاهش فقر و نابرابری بوده است، اما با وجود رشد اقتصادی بالا در بعضی از کشورها فقر و نابرابری کاهش نیافته است. مطالعات بسیاری از جمله کوزنتس (۱۹۹۵) نشان داده‌اند که رشد اقتصادی با نابرابری و توزیع درآمد همراه بوده و لزوماً منجر به کاهش فقر و نابرابری نمی‌شود. به همین دلیل، مفهوم رشد فراگیر در ادبیات اقتصاد توسعه مطرح شده است؛ مفهومی که تأکید دارد همه افراد جامعه، از جمله فقرا، باید از منافع رشد اقتصادی بهره‌مند شوند. به بیان دیگر، رشد فراگیر رشد اقتصادی و برابری را هم‌زمان مورد توجه و مطالعه قرار می‌دهد. (Mozaffaripour, 2019: 2) از عوامل تأثیرگذار در رشد فراگیر اقتصاد دانش‌بنیان است؛ یعنی یک اقتصاد مبتنی بر دانش می‌تواند از طریق جامعه‌سازی و نوآوری، خودکارآفرینی، پیشرفت فناورانه و تکامل ساختاری در بخش‌های مهم اقتصادی، باعث ارتقای کارایی نهاده‌های تولید و دستیابی به توسعه‌ای پایدار و متداوم شود. اقتصاد دانش‌بنیان عمدتاً بر استفاده از ایده‌ها تکیه دارد، نه بر اتکای صرف به توانایی‌های فیزیکی. طبق تعریف بانک جهانی اقتصاد دانش‌بنیان بر پایه چهار مؤلفه دانش، آموزش، نوآوری و نظام انگیزشی استوار است که هرکدام این مؤلفه‌های چهارگانه نقش بسزایی در رشد

فراگیر، رفاه ملی و پیشرفت اقتصادی جامعه ایفا می‌کند.

در این تحقیق، با عنوان تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان در رشد فراگیر در کشورهای منتخب اسلامی، محقق با شناسایی اقتصاد دانش‌بنیان و مؤلفه‌های آن به دنبال ارائه پاسخ به سؤالات ذیل است:

بین اقتصاد دانش‌بنیان و رشد فراگیر در کشورهای منتخب اسلامی چه ارتباطی وجود دارد؟

آیا اقتصاد دانش‌بنیان می‌تواند رشد فراگیر را افزایش دهد و تغییراتی در آن ایجاد کند؟

میزان و درصد اثرگذاری مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان در رشد فراگیر کشورهای اسلامی چگونه است؟

با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع یادشده برای نیل به هدف، بر اساس روش پنل دیتا به این موضوع پرداخته شده است. در این پژوهش پس از بیان مقدمه و مبانی نظری پیشینه تحقیق بررسی و بعد از آن روش تحقیق بیان می‌شود و در آخر بعد از انجام محاسبات و تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس روش پنل دیتا جمع‌بندی و نتیجه‌گیری انجام می‌شود.

## ۲. پیشینه

صفرزاده و مظفری‌پور (۲۰۲۲) مدیریت مؤثر رشد فراگیر در کشورهای مختلف را بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر شاخص رشد فراگیر تأثیر مثبت دارند، در حالی که شاخص قیمت مصرف‌کننده تأثیر منفی در رشد فراگیر دارد. میرجلیلی و همکارانش (۲۰۱۸) عوامل مؤثر بر رشد فراگیر در کشورهای سازمان همکاری اسلامی را تحلیل کرده‌اند. این پژوهش که با استفاده از داده‌های نامتعادل پانل برای دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ انجام شده است، نشان می‌دهد رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، مهم‌ترین عامل رشد فراگیر است. غفاری فرد و محمدی (۲۰۲۱) در مقاله‌ای به اثرگذاری تاب‌آوری اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی پرداخته است نتایج نشان می‌دهد کشورهای منتخب برای تداوم رشد اقتصادی باید بر روی مؤلفه‌های مختلف تشکیل‌دهنده تاب‌آوری اقتصادی از جمله کنترل نرخ تورم، نرخ بیکاری، کسری بودجه دولت، کسری تراز تجاری، ارتقای فناوری‌ها و سرمایه‌گذاری خارجی، مقررات‌زدایی و ارتقای فضای کسب‌وکار و کارایی و اثربخشی دولت‌ها توجه جدی

کنند. صادقی (۲۰۱۳) عوامل مؤثر بر رشد جامع اقتصادی در استان‌های ایران (رویکرد داده‌های تابلویی) را بررسی کرده که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نرخ رشد ضریب جینی تأثیر منفی و معناداری در رشد تولید ناخالص داخلی در ایران داشته است

غفاری‌فرد و ملکی (۲۰۱۸) در تحقیقی به سنجش فضایی اقتصاد دانش‌بنیان در استان‌های مختلف ایران با استفاده از روش شاخص ترکیبی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد استان‌های تهران، سمنان، کرمان و اصفهان به ترتیب اول تا چهارم از لحاظ اقتصاد دانش‌بنیان هستند. غفاری‌فرد و مصدق (۲۰۲۲) نیز آثار توزیعی اقتصاد دانش‌بنیان در کشورهای منتخب اسلامی را بررسی کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اقتصاد دانش‌بنیان باعث کاهش نابرابری در این کشورها شده است. غفاری‌فرد و قادری (۲۰۲۲) تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان در رفاه اقتصادی در استان‌های ایران را بررسی کرده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از این است که مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان باعث افزایش رفاه اقتصادی در استان‌های ایران می‌شود. غفاری‌فرد و حسینی (۲۰۲۳) در مقاله‌ای به اثر گذاری مثبت سرمایه گذاری خارجی و کمک‌های توسعه‌ای بر رشد اقتصادی بر کشورهای نامتخ‌ب اسلامی پرداخته است.

کهزایی و شیوایی (۲۰۲۳) در پژوهشی تأثیر شرکت‌های اقتصاد دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌های نوآور پارک‌های علم و فناوری در رشد اقتصاد منطقه‌ای در ایران را بررسی کرده‌اند. نتایج حاکی از تأثیر مثبت و معنادار تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان و فروش شرکت‌ها در رشد اقتصاد منطقه‌ای بوده است.

گوهری (۲۰۲۰) در پژوهشی ایجاد چهارچوبی برای اندازه‌گیری رشد فراگیر (مطالعه موردی کشورهای با درآمد متوسط و بالا با محوریت ایران) را بررسی کرده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که رشد فراگیر در ایران طی سال‌های مورد مطالعه افزایش یافته است، با این حال، میزان این افزایش نسبت به کشورهای منتخب کمتر بوده است. فاصله رشد فراگیر در ایران نسبت به میانگین رشد فراگیر در کشورهای منتخب بررسی شده است. صفری (۲۰۱۷) رشد فراگیر در استان‌های ایران از سال ۸۳ تا ۹۴ را بررسی کرده که نتایج نشان می‌دهد سیاست‌های اقتصادی و مالی توانسته‌اند رشد فراگیر در استان‌ها را تضمین کنند. این رشد فراگیر اگرچه ناپایدار است؛ توانسته فقر و نابرابری را کاهش دهد، اما این اقدامات منجر به کاهش فقر و نابرابری در استان‌ها در طول دوره مورد مطالعه نشده است.

رینی و هامونانگان تامبونا (۲۰۲۱) رشد فراگیر و عوامل مؤثر بر آن را با بهره‌گیری از داده‌های استانی و شواهد تجربی از اندونزی تحلیل کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رشد اقتصادی در اندونزی هنوز کامل فراگیر نشده و تنها چند استان به رشد فراگیر دست یافته‌اند.

ویلفرد کاتین بوچوین (۲۰۲۱) عوامل نهادی رشد فراگیر، شواهدی از ساحل عاج را مطالعه کرده است، یافته‌های تحلیلی و تجربی این پژوهش حاکی از آن است که در میان عوامل نهادی، ثبات دولت تنها عاملی است که تأثیر معنادار و پایداری در رشد فراگیر در هر دو دوره کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد.

آندری کریسواتی و همکاران (۲۰۲۲) توسعه اقتصاد فراگیر را به‌عنوان اساس رشد اقتصادی اقتصاد جهانی مطالعه کرده‌اند. نویسندگان این مطالعه پژوهشی با مروری بر ادبیات معاصر اقتصاددانان، مبانی نظری اصطلاح «اقتصاد فراگیر» را تحلیل و بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که در حال حاضر هیچ تعریف جهانی از مفهوم اقتصاد فراگیر وجود ندارد.

رمضانی و رحماواتی (۲۰۲۱)، رشد اقتصادی فراگیر در نواحی/شهرها در جاوای شرقی طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۹ را با رویکرد ADB و UNDP تحلیل و بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در جامعه جاوای شرقی ارتقای رفاه اجتماعی با یک استراتژی کلی توسعه دنبال می‌شود که هم عدالت اجتماعی و هم رشد اقتصادی را دربرمی‌گیرد و هدف آن تشویق رشد اقتصادی فراگیر است، به‌گونه‌ای که همه اقشار جامعه به‌طور یکسان از منافع آن بهره‌مند شوند.

استاواسکا و جابلونسکا (۲۰۲۲) عوامل تعیین‌کننده رشد فراگیر در چهارچوب نظریه تأمین مالی پایدار در کشورهای اتحادیه اروپا را بررسی کرده‌اند. هدف از این تحقیق شناسایی درجه‌ای از رشد فراگیر و بررسی تأثیر آن است.

میترا و داس (۲۰۱۸) تعریف رشد فراگیر را ارائه و با استفاده از شاخص رشد فراگیر (IGI)، مبتنی بر ۲۴ متغیر، دو نوع طرح وزنی را به کار برده‌اند. علاوه‌بر این، استراتژی اروپا ۲۰۲۰ به‌عنوان بنیان مفهوم رشد فراگیر مطرح شده است. در این استراتژی، رشد فراگیر به معنای توانمندسازی مردم از طریق سطوح بالای اشتغال، کاهش فقر و مدرن‌سازی بازارهای کار، آموزش و سیستم‌های پشتیبانی اجتماعی برای کمک به مردم برای پیش‌بینی و مدیریت تغییر و

ایجاد یک جامعه منسجم است. علی و سان (۲۰۰۷) عوامل مؤثر بر رشد فراگیر در ۱۰ کشور آسیایی بین سال‌های ۲۰۰۷ و ۱۹۸۵ را با استفاده از یک رویکرد داده پانل بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نابرابری درآمد و بیکاری تأثیر منفی و قابل توجهی در رشد اقتصادی فراگیر در این گروه از کشورها دارد. با دسترسی مردم به نهادهای اجتماعی، سطح آموزش افزایش می‌یابد.

ارزکی و نابلی (۲۰۱۲) اندازه‌گیری سطح درآمد کشورهای غنی از منابع طبیعی در خاورمیانه و شمال آفریقا بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۲۰۰۸ را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که این کشورها، به‌رغم درآمد سرانه بالا، نرخ رشد فراگیر پایینی دارند و بی‌ثباتی کلان اقتصادی را تجربه کرده‌اند.

تسوخاس (۲۰۱۳) با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا رابطه میان نابرابری درآمد و رشد فراگیر شهری در کشورهای منتخب آسیای سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۵ را بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه علی یک‌طرفه از نابرابری درآمد به رشد فراگیر شهری در این کشورها وجود دارد و افزایش نابرابری منجر به کاهش رشد فراگیر شهری شده است.

پوپ و کوچتکوف (۲۰۱۹) بر اساس یک شاخص ترکیبی متشکل از سه محور آموزش، نوآوری و فناوری اطلاعات و ارتباطات، مناطق مختلف روسیه را از منظر اقتصاد دانش‌بنیان ارزیابی کرده‌اند.

سون (۲۰۰۷) رابطه بین نابرابری درآمد، فقر و رشد فراگیر در ۴۳ کشور درحال توسعه را بین سال‌های ۲۰۰۴ و ۱۹۸۰ ارزیابی کرده است. این مطالعه از یک روش حداقل مربع دومرحله‌ای برای داده‌های پانل استفاده کرده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در کشورهای با درآمد بالا، اجرای سیاست‌های رشد فراگیر شهری منجر به کاهش نابرابری و فقر شده است، درحالی‌که در کشورهای کم‌درآمد، اجرای این سیاست‌ها منجر به کاهش نابرابری درآمد و فقر نشده است.

بانک توسعه آسیا (۲۰۱۶) با استناد به پژوهش علی و زانگ (۲۰۰۷)، مهم‌ترین محدودیت‌های رشد فراگیر در تاجیکستان را شناسایی کرده است. نخست، گرچه فقر در تاجیکستان طی سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۵ به واسطه رشد اقتصادی مداوم کاهش یافته بود؛

مشارکت نداشتن برخی گروه‌ها در این رشد، موجب محدودیت فرصت‌های شغلی، به‌ویژه در بخش رسمی، شد. هوشک و واسمن (۲۰۲۰) مطالعه‌ای با عنوان «آموزش، سرمایه دانش و رشد اقتصادی» انجام داده‌اند. در این مقاله نقش آموزش در ارتقای رشد اقتصادی و با تمرکز ویژه بر نقش سرمایه دانش یا مهارت‌های کلان یک کشور بررسی شده است.

### ۳. مبانی نظری

برای اولین بار، سازمان توسعه اقتصادی و همکاری (OECD) اصطلاح «اقتصاد مبتنی بر دانش» را به کار برد و آن را «یک اقتصاد که اساس تولید و توزیع و مصرف با استفاده از اطلاعات و دانش است» تعریف کرد. (OECD, 1996: 11). این تعریف نشان می‌دهد که دانش و فناوری نقش مهمی در فعالیت اقتصادی دارند و می‌توان استدلال کرد که یک اقتصاد دانش‌بنیان حداقل به دو ویژگی اقتصاد جدید تعلق دارد: ۱- در اقتصاد دانش‌بنیان هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی دانش از کیفیت بالاتری نسبت به قبل برخوردار است. ۲- نیروی محرکه اصلی در اقتصاد نوین استفاده از فناوری، اطلاعات و ارتباطات است. با توجه به تعریف سازمان توسعه اقتصادی و تعاون در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان، سرمایه‌گذاری در صنایع دانش‌بنیان مورد توجه قرار گرفت.

APEC بعداً این تعریف را گسترش داد و اظهار داشت که در اقتصاد دانش‌بنیان «تولید، توزیع و استفاده از دانش مهم‌ترین عامل محرک رشد، ایجاد ثروت و اشتغال در همه صنایع است» (APEC, 2000). این درحالی است که اقتصاد دانش‌بنیان موضوعاتی همچون نوآوری، آموزش دانشگاهی، پژوهش و توسعه را دربرمی‌گیرد، اما به‌خودی‌خود بسیار گسترده‌تر از این موارد است. با توجه به تعاریف دریافتیم که اقتصاد دانش‌بنیان نه تنها به تعداد محدودی از صنایع مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته، بلکه به تمام فعالیت‌های اقتصادی دانش‌بنیان نیز بستگی دارد.

به گفته سازمان همکاری اقتصادی آسیا، دانش مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان بسیار بیشتر از دانش فنی است و شامل دانش فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی می‌شود. بر اساس تعریف APEC استدلال می‌شود که اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که در آن تولید و کاربرد دانش در خلق ثروت مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند، این اقتصاد نه تنها دانش را توسعه و گسترش می‌دهد، بلکه استفاده مؤثر از انواع دانش را در همه انواع فعالیت‌های اقتصادی نیز در نظر می‌گیرد.

اخیراً اقتصاددانان درصدد تبیین نظریه اقتصاد دانش‌بنیان و سیاست نوآوری آن تحت هدایت

دو مکتب علمی به نام نظریه‌های جدید رشد و نظریه‌های اقتصاد تکاملی هستند. نظریه‌ای که اساساً سیستم‌های نوآوری ملی و منطقه‌ای را توضیح می‌دهد، نظریه اقتصاد تکاملی است که در آن بر درک نوآوری و تغییرات سازمانی و فناورانه به‌عنوان شاخص کلیدی رشد اقتصادی بلندمدت تأکید ضمنی می‌شود. ایده اصلی نظریه‌های تکاملی و سیستم نوآوری‌های ملی و منطقه‌ای این است که دانش در سراسر سیستم گسترش می‌یابد و با عناصر مختلف میکرو و ماکرو مانند مؤسسات تحقیقاتی، دولت، دانشگاه‌ها، سرمایه‌گذاران و غیره تعامل دارد.

مکتب اتریشی معتقد است که دانش نقش اساسی در مدل‌های اقتصاد تکاملی دارد و بخش مهمی از یک بازار رقابتی است. جوزف شومپتر (۱۸۸۲-۱۹۵۰)، اقتصاددان مکتب اتریشی، سهم مهمی در توسعه مفاهیم اقتصاد تکاملی داشت و ایده معرفی نوآوری‌های مبتنی بر رقابت را در چهارچوب اقتصاد مبتنی بر دانش جدید مطرح کرد. در نظریه رشد جدید، تغییرات فناورانه، رشد داخلی و توسعه پایدار بلندمدت توسط نظریه توسعه اقتصادی از طریق «تخریب خلاقانه» شومپتر مطابق با افزایش بازده سرمایه پیشنهاد شد. بر اساس نظریه شومپتر، انگیزه اساسی که موتور سرمایه‌داری را به حرکت درمی‌آورد، کالاها، مصرفی، روش‌های جدید تولید و حمل و نقل، بازارهای جدید و غیره است؛ این موضوع در حال گسترش است. این فرایند «تخریب خلاق» نامیده می‌شود که یک واقعیت اساسی سیستم سرمایه‌داری است. این مفهوم در مرحله بعدی در توسعه نظریه رشد داخلی ظاهر شد. پس از مطرح شدن مدل رشد انفرادی، برخی از اقتصاددانان هنوز یک سؤال اساسی در مورد اختلاف ثروت بین کشورهای ثروتمند و فقیر داشتند. پاسخ سولو به این سؤال این بود که کشورهای ثروتمند به‌طور فعال در تجهیزات و آموزش سرمایه‌گذاری کرده و از این منابع به‌طور مولد استفاده کرده‌اند، در حالی که کشورهای فقیر این کار را نکرده‌اند. سولو نشان داد که موفقیت یک اقتصاد دانش‌بنیان جدید به آموزش و بهره‌وری عامل بستگی دارد.

رشد فراگیر به‌عنوان یکی از موضوعات جدید، که در سال‌های اخیر وارد ادبیات و نوشته‌های اقتصاد توسعه شده است، تعریف واحدی از آن در جهان وجود ندارد، در برخی از تعاریف تنها از بعد اقتصادی به رشد فراگیر پرداخته شده است. هابیتو رشد فراگیر را عبارت از رشد تولید ناخالص داخلی می‌داند که در نتیجه آن فقر به صورت چشمگیر کاهش پیدا کند یا از نظر همان تورات رشد فراگیر همان رشد کشش فقر است. در برخی از تعاریف نحوه رسیدن به رشد فراگیر مهم است نه صرفاً نتیجه آن. علی‌وسان معتقد است که رشد زمانی فراگیر است که

تمام افراد جامعه بدون در نظر داشتن تفاوت‌های فردی در فرایند آن سهم و مشارکت داشته باشند و از مزایای آن یکسان نفع ببرند. آن‌ها بر این باورند که رشد فراگیر نه تنها فرصت‌های جدید ایجاد می‌کند بلکه امکان دسترسی به این فرصت‌ها را برای همه اقشار جامعه به‌طور یکسان فراهم می‌کند. (Safarzadeh & Mozaffarpour, 2022: 10)

کوزنتس (۱۹۹۵) در مطالعه خود که رابطه بین رشد اقتصادی و نابرابری را بررسی کرده نشان می‌دهد که رشد اقتصادی ابتدا به صورت نابرابر افزایش می‌یابد و بعد از ثابت ماندن در سطح معینی شروع به کاهش می‌کند که این الگو به نام «منحنی معکوس U کوزنتس» معروف است (Mozaffarpour, 2019: 10)، اما تجربه بسیاری از کشورها در دهه ۱۹۶۰ نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورها با وجود رشد بالای اقتصاد وضعیت فقر و نابرابری کاهش نیافته و حتی در برخی از حالات افزایش نرخ رشد با افزایش نابرابری همراه بوده است. (Deininger & Squire, 1996: 273) در نتیجه می‌توان گفت که پایداری فقر و نابرابری و موفق نبودن سیاست‌های رشد اقتصادی باعث به وجود آمدن مفهوم رشد فقرزدا و رشد فراگیر شده است. رشد فقرزدا و رشد فراگیر گرچه در ظاهر یکسان به نظر می‌رسند و ممکن است با هم ارتباط نزدیک داشته باشند؛ در مفهوم اصلی با هم تفاوت دارند. رشد فقرزدا تنها به افراد زیر خط فقر می‌پردازد؛ یعنی رشدی است که باعث کاهش فقر می‌شود، اما رشد فراگیر از نظر مفهوم نسبت به رشد فقرزدا گسترده‌تر است و نه تنها افراد زیر خط فقر، بلکه افراد بالای خط فقر را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهد؛ افرادی که فقیر نیستند، ولی محروم‌اند بنابراین دستیابی به رشد فراگیر نه تنها به کشورهایی که با مشکلات فقر مواجه هستند، بلکه برای کشورهایی که فقر شدید ندارند نیز مهم است. در واقع رشد فراگیر چالش اصلی اطمینان حاصل کردن از منتفع شدن تمام افراد جامعه از فرایند رشد است. (Mozaffarpour, 2019: 8)

رشد فراگیر توسط سازمان‌های بین‌المللی از جمله بانک توسعه آسیا (ADB) و بانک آفریقایی برای بازسازی و توسعه (AFDB) ترویج می‌شود. از دیدگاه بانک توسعه اقتصادی، رشد اقتصادی منجر به کاهش فقر می‌شود؛ زمانی که با یک برنامه جامع توسعه اجتماعی همراه باشد. یکی از ارکان این برنامه جامع تأکید بر توسعه سرمایه‌های انسانی و اجتماعی است. توسعه سرمایه انسانی و اجتماعی به معنای دسترسی افراد به خدمات بهداشتی اساسی، آموزش و فرصت‌های بیشتر برای فقرا برای مشارکت فعال در تصمیم‌گیری است. به عبارت دیگر، یک

برنامه جامع باعث توسعه همه بخش‌های جامعه، به‌ویژه گروه‌های ضعیف جامعه می‌شود تا بتوانند دارایی‌ها و فرصت‌ها را تحقق بخشند. ADB چهارچوب استراتژی بلندمدت برای سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۸ (استراتژی ۲۰۲۰) را در سال ۲۰۰۸ ارائه کرد که در آن یک برنامه توسعه جامع بر اساس رشد فراگیر ناشی از ایجاد فرصت‌های اقتصادی و فراهم کردن دسترسی همه مردم به این فرصت‌هاست. این امر مستلزم ایجاد ظرفیت انسانی، به‌ویژه برای اقشار محروم جامعه است؛ جایی که از طریق ارائه خدمات اجتماعی مانند آموزش و بهداشت و همچنین بهبود سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، مردم می‌توانند به دارایی‌ها، منابع تولیدی و وام‌های اقتصادی دسترسی پیدا کنند. (ADB، 2008) بر اساس این تحقیق، با گذشت زمان تلاش‌هایی برای ایجاد رشد فراگیر انجام شده است. در این مقاله سعی شده با تعریف و سنجش رشد فراگیر به جنبه‌های وسیع دستیابی به رشد اقتصادی پرداخته شود به گونه‌ای که هم اندازه‌گیری درآمد و هم رشد فراگیر غیردرآمدی را شامل شود. همچنین با ساخت این شاخص امکان مقایسه ایران با سایر کشورها بر اساس داده‌های موجود فراهم شود.

جنبه‌های رشد فراگیر را می‌توان به شرح زیر تقسیم کرد:

جدول ۱. ابعاد رشد فراگیر

رشد اقتصادی	ابعاد رشد فراگیر
آموزش و بهداشت	
زیرساخت‌های اقتصادی	
نابرابری	
عدالت جنسیتی	
محیط زیست	
فقر	
حمایت اجتماعی	
اشتغال و بهره‌وری	

منبع: لیدا گوهری (۲۰۲۲)

اقتصاد دانش‌بنیان به معنای استفاده از دانش، فناوری و نوآوری برای ایجاد ارزش اقتصادی

است. این نوع اقتصاد بر تولید، انتقال و استفاده از دانش و فناوری برای ایجاد محصولات و خدمات جدید و بهبود فرایندهای موجود استوار است. اقتصاد دانش بنیان می تواند تأثیر بسیاری در رشد فراگیر داشته باشد. با ایجاد محصولات و خدمات جدید و بهبود فرایندهای موجود، اقتصاد دانش بنیان می تواند باعث افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها شود. همچنین این نوع اقتصاد می تواند باعث ایجاد شغل های جدید و افزایش درآمد افراد شود.

علاوه بر این، اقتصاد دانش بنیان می تواند باعث ایجاد رقابت سالم و افزایش کیفیت محصولات و خدمات شود. با افزایش رقابت، شرکت ها مجبور به بهبود کیفیت محصولات و خدمات خود می شوند و این باعث افزایش رضایت مشتریان و افزایش فروش محصولات می شود. در نهایت، اقتصاد دانش بنیان می تواند باعث ایجاد توسعه پایدار و افزایش رفاه اجتماعی شود. با ایجاد محصولات و خدمات جدید و بهبود فرایندهای موجود، این نوع اقتصاد می تواند بهبود کیفیت زندگی افراد را به همراه داشته باشد.

همچنان اخیراً رشد فراگیر به عنوان یکی از اساسی ترین شاخص های اقتصاد کلان در ادبیات اقتصادی کشورها، مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. رشد فراگیر در دوره های مختلف از متغیرهای متفاوتی متأثر بوده است بنابراین طی یک فاصله زمانی، متغیرهای مؤثر بر رشد فراگیر تغییر ماهیت داشته اند، به طوری که در نظام های سنتی، رشد فراگیر متأثر از نیروی کار و سرمایه بود، اما در حال حاضر مؤلفه های اقتصاد دانش بنیان مانند سیستم نوآوری، زیرساخت های اطلاعاتی، آموزش و منابع انسانی، مشوق های اقتصادی و ... اساسی ترین نقش را در رسیدن به رشد فراگیر در کشورها، به ویژه در کشورهای توسعه یافته، دارند (Usofi and others, 1397: 2)

آدام اسمیت انسان را به عنوان عامل اساسی در رشد اقتصادی می دانست، در حالی که تا اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی، انسان بیشتر با دید ابزاری و تنها به عنوان یکی از نهادهای تولید در نظر گرفته می شد، اما در ابتدای دهه ۱۹۶۰، زمانی که پژوهشگران به مطالعه عوامل پیشرفت کشورهای توسعه یافته و کشورهای جهان سوم پرداختند، به این نتیجه رسیدند که انسان محور اصلی رشد و توسعه اقتصادی بوده و نقش اساسی در جوامع توسعه یافته و صنعتی دارد. تئودور شولتر و گری بکر از اقتصاددانان معاصرند که تئوری سرمایه انسانی را از مرحله ابتدایی آن تا به حالت پیشرفته امروزی ارائه کرده اند. گری بکر عوامل سرمایه انسانی همچون آموزش، تربیت و شرایط اقتصادی را مهم ترین پدیده مؤثر در رشد فراگیر می انگارد. شولتر، که پدر

تئوری سرمایه انسانی لقب گرفته است، در تحلیل‌های اقتصادی به اهمیت سرمایه انسانی در رشد و توسعه تأکید زیادی داشته است و به این باور، ارتقای کیفیت نیروی انسانی از طریق سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی نقش بسزایی در این راستا بازی می‌کند که در تحلیل سنتی تئوری‌های رشد و توسعه نادیده گرفته شده است. همچنین لوکاس تلاش کرده است با حفظ مدل کلی رشد نئوکلاسیک، از رشد فناوری برون‌زا فاصله بگیرد و سرمایه انسانی را در کنار سرمایه فیزیکی به عنوان عاملی مهم در رشد در نظر بگیرد (Yawari, 1396, 180)

### ۳. روش تحقیق

این پژوهش بر اساس روش تحلیلی-توصیفی است. بدین لحاظ ابتدا بر اساس اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، شامل کتاب‌ها و مقالات علمی موجود، ضمن بررسی ادبیات موضوع تلاش شده چهارچوب و مدل تحلیلی تحقیق استخراج شود. در مرحله بعد، برای استنباط و آزمون فرضیات تحقیق و پاسخ به سؤالات پژوهش، داده‌های آماری موردنیاز از منابع رسمی، از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۰ جمع‌آوری و پردازش شد. این داده‌ها برای بررسی تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد دانش در رشد فراگیر در کشورهای افغانستان، ایران، عربستان سعودی، پاکستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکیه، عمان، کویت، عراق، الجزایر، بحرین، اردن، مالزی، اندونزی، قطر، قزاقستان، تونس و امارات متحده عربی به کار گرفته شدند. برای این منظور از تکنیک پنل دیتا که مقاطع و دوره‌های زمانی را با یکدیگر ترکیب می‌کند و از روش FMOLS)) و نرم‌افزار Eviews11 استفاده شده است.

### ۳-۱. برآورد مدل به کاررفته

در تحقیق حاضر که با عنوان تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان در رشد فراگیر در کشورهای منتخب اسلامی از سال ۲۰۰۶ الی ۲۰۲۰ است، در مدل اول تأثیر چهار مؤلفه اقتصاد دانش بنیان (آموزش و توسعه منابع انسانی، سیستم ابداعات و نوآوری، زیرساخت‌های اطلاعاتی و مشوق‌های اقتصاد و رژیم‌های نهادی) در رشد فراگیر جداگانه بررسی شدند و در مدل دوم تأثیر چهار مؤلفه اقتصاد دانش بنیان، که پیشتر ذکر شد، ابتدا با هم ترکیب شدند و همراه با متغیرهای کمکی تورم، سرمایه‌گذاری خارجی و تولید ناخالص داخلی در رشد فراگیر بررسی شده است که هر یک به شرح زیر است.

$$IG = \beta_1 IIT + \beta_2 IS + \beta_3 TDHR + \beta_4 EIIR + U$$

در مدل (۳-۱) IG رشد فراگیر، IIT زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری، IS سیستم نوآوری، TDHR آموزش و توسعه منابع انسانی و EIIR عبارت از مشوق‌های اقتصادی و رژیم‌های نهادی است.

$$LIG = \beta_1 LKBE + \beta_2 LGDP + \beta_3 LFDI + \beta_4 INF + U$$

همچنین مدل (۳-۲) IG متغیر وابسته رشد فراگیر، KBE مؤلفه ترکیبی اقتصاد دانش بنیان، INF تورم کل، FDI سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و GDP عبارت از تولید ناخالص داخلی است.

جدول ۲. معرفی متغیرهای تحقیق و نماد آن‌ها مدل الف

نام متغیر	نوع متغیر	نماد متغیر
رشد فراگیر	وابسته	IG
سیستم نوآوری	مستقل	IS
زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری	مستقل	IIT
آموزش و توسعه منابع انسانی	مستقل	TDHR
مشوق‌های اقتصادی و رژیم نهادی	مستقل	EIIR

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۳. معرفی متغیرهای تحقیق و نماد آن‌ها مدل ب

نام متغیر	نوع متغیر	نماد متغیر
رشد فراگیر	وابسته	IG
شاخص ترکیبی اقتصاد دانش بنیان	مستقل	KBE
تورم کل	کمکی	INF
سرمایه‌گذاری خارجی	کمکی	FDI
تولید ناخالص داخلی	کمکی	GDP

منبع: یافته‌های تحقیق

متغیر وابسته در این تحقیق عبارت است از رشد فراگیر که متشکل از ابعاد رشد اقتصادی، اشتغال و بهره‌وری، آموزش، بهداشت، نابرابری، محیط‌زیست و عدالت جنسیتی است. بر اساس جدول ۴ کشورهای ترکیه، عربستان و ایران از نظر رشد فراگیر در بین کشورهای منتخب به ترتیب در رتبه اول تا سوم قرار گرفته‌اند و کشورهای عراق، پاکستان و افغانستان در رتبه‌های آخر هستند.

جدول ۴. داده‌های رشد فراگیر سال ۲۰۲۰

کشور	برآیند شاخص	کشور	برآیند شاخص
افغانستان	۲۰/۶۸۶۲۶	تاجیکستان	۶۳۲/۳۳
ایران	۵۶/۸۱۸۷۸	ترکیه	۸۳۳/۶۲
ازبکستان	۳۷/۱۳۱۹	تونس	۷۷۹/۳۱
عربستان سعودی	۶۰/۲۴۲۳۳	عراق	۵۶۷/۲۲
اردن	۳۰/۳۱۳۱۸	امارات متحده عربی	۰۵۶/۴۱
اندونزی	۵۳/۶۶۱۶۶	عمان	۷۸۸/۴۰
الجزایر	۴۳/۶۵۲۹۷	قطر	۲۶۴/۵۳
مالزی	۴۲/۴۲۱۸۶	کویت	۶۴۷/۴۰
بحرین	۴۱/۷۹۰۹	قزاقستان	۰۹۱/۴۷
پاکستان	۳۱/۴۸۲۱۹		

منبع: یافته‌های تحقیق

متغیر مستقل مورد بحث در این پژوهش عبارت است از چهار مؤلفه اقتصاد دانش‌بنیان شامل آموزش و توسعه منابع انسانی (نرخ سواد بزرگسالان، نرخ تحصیلات تکمیلی و نرخ ثبت‌نام آموزش عالی)، سیستم ابداعات و نوآوری (میزان ثبت و اختراعات، تعداد مقاله‌های فناورانه و تعداد پژوهشگران علم و فناوری)، زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری (میزان استفاده از تلفن ثابت در هر ۱۰۰ نفر، میزان استفاده از اینترنت و میزان استفاده از تلفن همراه در هر ۱۰۰ نفر) و مشوق‌های اقتصادی و رژیم‌های نهادی (نقش قوانین، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و کیفیت تنظیم و مقررات) است که بر اساس روش موریس، شاخص اقتصاد دانش‌بنیان محاسبه شده است.

جدول ۵. داده‌های اقتصاد دانش‌بنیان سال ۲۰۲۰

کشورها	مشوق‌ها	زیرساخت‌ها	سیستم نوآوری	آموزش	رشد فراگیر
افغانستان	۲۲۴/۱۲	۰۰۰/۰	۰۱۹/۰	۲۰۳/۶	۶۸۶/۲۰
ایران	۷۶۰/۲۷	۰۴۷/۹۲	۴۸۴/۷۷	۱۰۰/۶۰	۸۱۹/۵۶
ازبکستان	۳۳۱/۱۵	۵۶۹/۴۶	۸۵۶/۵	۳۴۵/۵۸	۱۳۲/۳۷
عربستان سعودی	۲۵۴/۵۳	۱۶۵/۶۲	۷۷۰/۲۵	۶۴۳/۷۹	۲۴۲/۶۰
اردن	۰۰۳/۵۳	۹۷۴/۲۷	۳۵۲/۱۳	۷۹۹/۴۹	۳۱۳/۳۰
اندونزی	۳۴۳/۴۵	۰۷۵/۴۳	۷۰۲/۲۰	۴۴۲/۶۱	۶۶۲/۵۳
الجزایر	۳۶۰/۲۵	۳۸۰/۴۳	۰۶۸/۱۲	۰۶۸/۷۱	۶۵۳/۴۳
مالزی	۱۷۸/۵۳	۸۴۰/۶۶	۸۱۹/۵۲	۹۸۸/۵۹	۴۲۲/۴۲
بحرین	۸۱۰/۵۹	۹۶۹/۶۲	۷۰۷/۳	۰۷۷/۷۲	۷۹۱/۴۱
پاکستان	۵۲۹/۳۲	۱۳۰/۱۱	۲۴۵/۱۲	۸۱۹/۱۲	۴۸۲/۳۱
تاجیکستان	۸۸۵/۱۰	۹۱۱/۲۷	۴۹۳/۸	۵۷۷/۴۷	۶۳۲/۳۳
ترکیه	۱۴۷/۳۹	۱۸۱/۵۲	۵۱۸/۶۳	۱۰۷/۹۲	۸۳۳/۶۲
تونس	۲۲۳/۷۳	۸۵۵/۵۵	۳۲۱/۲۷	۴۵۱/۵۰	۷۷۹/۳۱
عراق	۶۰۵/۳	۲۵۹/۳۶	۲۴۹/۵	۰۷۰/۳۲	۵۶۷/۲۲
امارات متحده عربی	۲۰۱/۵۷	۶۶۵/۴۳	۶۸۷/۱۸	۱۸۹/۴۹	۰۵۶/۴۱
عمان	۱۷۵/۵۸	۷۹۱/۶۸	۱۹۵/۴	۹۲۲/۶۸	۷۸۸/۴۰
قطر	۹۱۰/۶۷	۷۸۴/۷۲	۹۱۰/۷	۸۹۸/۶۴	۲۶۴/۵۳
کویت	۷۶۴/۵۳	۲۰۳/۷۹	۳۵۴/۶	۴۱۱/۶۶	۶۴۷/۴۰
قزاقستان	۸۶۱/۴۱	۱۹۷/۶۹	۳۴۰/۱۲	۰۴۹/۷۷	۰۹۱/۴۷

منبع: یافته‌های تحقیق

کشورهای ترکیه، عربستان و قزاقستان در حوزه شاخص ترکیبی آموزش از جایگاه بالاتری نسبت به سایر کشورها برخوردار هستند. شاخص نوآوری نشان می‌دهد کشورهای ایران، ترکیه

و مالزی در رتبه بهتری نسبت به سایرین قرار دارند. بر اساس جدول ۵، کشورهای ایران، قطر و کویت در بحث زیرساخت وضع مناسب‌تری نسبت به دیگر کشورها دارند.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

با در نظر گرفتن اینکه داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز این پژوهش ماهیت کمی دارند، در مرحله نخست از آمار توصیفی برای تحلیل استفاده شد. ارائه آمار توصیفی با هدف معرفی ویژگی‌های آماری متغیرها و آگاهی محقق از ساختار و خصوصیات داده‌ها صورت می‌گیرد، زیرا شناخت دقیق ویژگی‌های متغیرها محقق را در دستیابی به نتایج معتبر و قابل قبول یاری می‌کند (Amir Khanlo, 396:47) و ویژگی متغیرهای مورد استفاده در این مدل شامل میانگین، میانه، مینیمم، ماکزیمم، انحراف معیار و تعداد مشاهدات متغیرها در این تحقیق است.

جدول ۶. آماره‌های توصیفی مدل

Prob	Jar-B	Kurtosis	Skewness	Std.Dev	Min	Max	Median	Mean	Description
۰٫۰۹	۴٫۷۸	۲٫۴۲	۰٫۱۳	۱۰٫۴۹	۱۵٫۷۵	۶۴٫۴۷	۳۸٫۸	۳۹٫۵۸	IG
۰	۱۶۳٫۴۷	۴٫۷۱	۱٫۶۴	۲۰٫۶۵	۰	۸۳٫۹۶	۱۲	۱۹٫۸۲	Is
۰٫۰۰۹	۹٫۲۲	۲٫۱۲	۰٫۰۳	۲۲٫۳۵	۰	۹۲٫۰۴	۴۱٫۲	۴۱٫۹۶	IIT
۰	۵۲٫۲۷	۳٫۶۷	۰٫۹۹	۲۰٫۷۶	۰	۹۳٫۸۷	۶۱٫۶۲	۵۷٫۲	TDHR
۰	۱۵٫۱۷	۲٫۴	۰٫۴۷	۱۹٫۵۱	۳٫۵۴	۸۶٫۸۹	۴۷٫۴۷	۴۴٫۳۵	EIIR

منبع: یافته‌های تحقیق

#### ۴-۱. آزمون مانایی داده‌ها

آزمون ریشه واحد، که به آن آزمون مانایی نیز گفته می‌شود، از متداول‌ترین ابزارها برای ارزیابی سکون داده‌های سری زمانی و پنل است. این آزمون مبتنی بر این فرض است که وجود ریشه واحد در یک فرایند خودرگرسیون مرتبه اول نشان‌دهنده نامانایی سری است. از این رو، برای پیشگیری از نتایج نادرست و رگرسیون کاذب، ضروری است پیش از برآورد مدل، مانایی داده‌ها بررسی شود.

جدول ۷. آزمون مانایی مدل الف

متغیر	Statistic	Prob	پویایی
IG	-۴,۳۲۷	۰/۰۰۰	مانا
Is	-۶,۲۴۷	۰/۰۰۰	مانا
IIT	-۴,۶۵۱	۰/۰۰۰	(۲)
TDHR	-۳,۷۴۰	۰/۰۰۰	مانا
EIIR	-۱,۶۵۸	۰/۰۴۸	مانا

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول ۷، مقادیر Prob برای تمامی متغیرهای مدل به جز زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری (IIT)، در مرحله نخست (قبل از تفاضل‌گیری) کمتر از ۰/۰۵ بوده و نشان‌دهنده مانایی آن‌هاست. شایان ذکر است که متغیر زیرساخت‌های اطلاعاتی پس از دو مرتبه تفاضل‌گیری، به حالت مانایی دست می‌یابد.

#### ۴-۲. آزمون هم‌جمعی کائو

بررسی وجود هم‌انباشتگی (هم‌جمعی) در داده‌های پنل اهمیت زیادی دارد، زیرا غیرایستایی متغیرها می‌تواند به برآوردهای رگرسیون کاذب منجر شود. در شرایطی که برخی متغیرها ایستا و برخی دیگر غیرایستا باشند، پیش از برآورد مدل ضروری است آزمون هم‌جمعی انجام گیرد تا پس از تأیید وجود رابطه بلندمدت، تخمین مدل انجام شود. در این پژوهش، از میان آزمون‌های هم‌جمعی تعبیه‌شده در نرم‌افزار EViews 11 - شامل آزمون‌های کائو، پدرونی و فیشر - از آزمون کائو استفاده شده است.

جدول ۸. آزمون هم‌جمعی کائو

آماره	Statistic	Prob
ADF	-۲,۱۲۱۴	۰/۰۱۶۹

منبع: یافته‌های تحقیق

طبق نتایج به دست آمده در جدول ۸، آماره آزمون (Prob) نشان دهنده عدد کوچک تر از ۰/۰۵ است بنابراین می توان ادعا کرد که یک رابطه و همبستگی بلندمدت بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد.

### آزمون چاو

یکی از آزمون هایی که قبل از برآورد مدل در داده های ترکیبی حائز اهمیت است آزمون چاو (F لمیر) است که این آزمون برای تشخیص بین روش های رگرسیون تلفیقی و رگرسیون پنل دیتا استفاده می شود. در این آزمون تأیید فرضیه  $H_0$  به معنی تخمین مدل به روش رگرسیون تلفیقی (Pool Data) و رد فرضیه  $H_0$  به معنی تخمین مدل به روش رگرسیون با داده های تابلویی (Panal Data) است.

جدول ۹. آزمون چاو

Effects Test	Statistic	d.f	Prob
Cross-section F	63.128	(18.262)	0.000
Cross-section Chi-Square	477.284	18	0.000

منبع: یافته های تحقیق

باتوجه به نتایج که در جدول ۹ مشاهده می شود آماره آزمون کوچک تر از ۰/۰۵ است بنابراین مدل به روش رگرسیون پنل دیتا تخمین زده می شود.

### آزمون هاسمن

بعد از انجام آزمون چاو و تأیید تخمین مدل با استفاده از رگرسیون با داده های تابلویی، نیاز به انجام آزمون هاسمن است تا با استفاده از این آزمون مشخص شود که مدل با استفاده از رگرسیون با اثرات ثابت تخمین زده شود یا تخمین با اثرات تصادفی باشد.

جدول ۱۰. آزمون هاسمن

Test Summary	Chi-Sq.Statistic	.Ch-Sq.d.f	Prob
Cross-section random	2.406	4	0.661

منبع: یافته های تحقیق

نتایج به دست آمده از آزمون هاسمن نشان می‌دهد که آماره آزمون (۰/۶۶۱) بزرگ‌تر از آماره جدول است پس در این حالت تخمین مدل باید با استفاده از رگرسیون با اثرات تصادفی صورت گیرد.

در نهایت با در نظر داشتن آزمون‌های انجام شده و تشخیص موجودیت رابطه بلندمدت بین متغیرهای وابسته (رشد فراگیر) و متغیرهای مستقل (مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان) نتایج حاصل از برآورد مدل در ۱۹ کشور منتخب اسلامی طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۰ با استفاده از نرم افزار EViews و روش پنل دیتا با اثرات تصادفی در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۱۱. برآورد مدل الف تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان بر رشد فراگیر

متغیرها	متغیر وابسته: رشد فراگیر (IG)			
	Co efficient	Std. Error	t-Statistic	Prob
IS	0.159	0.026	6.089	0.000
IIT	0.035	0.015	2.841	0.020
TDHR	0.412	0.028	14.389	0.000
EIIR	-0.117	0.020	-5.774	0.000
R <sup>2</sup>	0.94			

منبع: یافته‌های تحقیق

$$IG = 0.412 TDHR + 0.159 IS + 0.035 IIT - 0.117 EIIR + U$$

یافته‌های حاصل از برآورد مدل الف نشان می‌دهد که میان متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی، رابطه‌ای بلندمدت و معنادار برقرار است. همچنین مقدار ضریب تعیین (R<sup>2</sup>) بیانگر این است که ۹۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. همچنین مؤلفه آموزش و توسعه منابع انسانی رابطه مثبت و معنی‌داری با رشد فراگیر در کشورهای منتخب اسلامی داشته، به نحوی که با یک درصد افزایش آموزش و توسعه منابع انسانی، رشد فراگیر ۰/۴۱۲ درصد افزایش خواهد یافت. به همین ترتیب شاخص نوآوری و ابداعات نیز تأثیر مثبت و معنی‌داری در رشد فراگیر داشته، به نحوی که با یک درصد افزایش در سیستم نوآوری، رشد

فراگیر ۰/۱۵۹ درصد افزایش می‌یابد. شاخص زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری نیز در رشد فراگیر تأثیر مثبت داشته، به نحوی که با یک درصد افزایش در زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری، رشد فراگیر ۰/۰۳۵ درصد افزایش می‌یابد، اما یافته‌ها نشان می‌دهد که مشوق‌های اقتصادی در بلندمدت تأثیر منفی و معناداری در رشد فراگیر دارند؛ به گونه‌ای که افزایش یک درصدی مشوق‌های اقتصادی و رژیم نهادی موجب کاهش ۰/۱۱۷ درصدی رشد فراگیر در کشورهای منتخب اسلامی می‌شود بنابراین سه مؤلفه اقتصاد دانش‌بنیان، آموزش و توسعه منابع انسانی، سیستم نوآوری و زیرساخت‌های اطلاعاتی، هرکدام تأثیر مثبت در رشد فراگیر در کشورهای منتخب اسلامی دارد که در این میان آموزش و منابع انسانی با ضریب (۰/۴۱۲) بیشترین تأثیر را داراست.

جدول ۱۲. برآورد مدل ب ترکیب مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان با رشد فراگیر

متغیرها	متغیر وابسته: رشد فراگیر (IG)			
	Co efficient	Std. Error	t-Statistic	Prob
LKBE	0.281	0.058	4.789	0.0000
LGDP	0.084	0.022	3.77	0.0002
LFDI	0.002	0.003	0.866	0.3871
INF	-0.003	0.0006	-6.045	0.0000
R <sup>2</sup>	0.96			

منبع: یافته‌های تحقیق

$$LIG = 0.281LKBE + 0.084LGDP + 0.0028LFDI - 0.003LINF + U$$

بر اساس نتایج مدل مذکور، که در آن رشد فراگیر متغیر وابسته، شاخص ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان متغیر مستقل و متغیرهای تورم، لگاریتم سرمایه‌گذاری خارجی و لگاریتم صادرات به‌عنوان متغیرهای کمکی لحاظ شده‌اند، رابطه‌ای بلندمدت و معنادار میان این متغیرها تأیید می‌شود که ضریب تعیین مدل  $R^2 = 0.92$  بیانگر این موضوع است که ۹۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته (رشد فراگیر) توسط متغیرهای مستقل و کمکی توضیح داده می‌شود.

در میان متغیرهای توضیحی، شاخص ترکیبی اقتصاد دانش بنیان تأثیر مثبت و معناداری در رشد فراگیر در بلندمدت دارد، به گونه‌ای که افزایش یک درصد در این شاخص، رشد فراگیر را ۰.۱۹۲ درصد افزایش می‌دهد؛ یعنی به هر اندازه که در کشورهای منتخب اسلامی اقتصاد بر اساس دانش، نوآوری، اطلاعات و فناوری بنیان‌گذاری شود در افزایش رشد فراگیر موثر است. به همین ترتیب، متغیرهای تورم کل و سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر منفی در رشد فراگیر دارند، با این حال با یک درصد افزایش در متغیرهای تورم و سرمایه‌گذاری خارجی به ترتیب ۰.۱۳۶- و ۰.۱۰۸- درصد کاهش در متغیر رشد فراگیر رخ می‌دهد. در نهایت متغیر صادرات کالا نیز تأثیر مثبت و معنی‌داری در رشد فراگیر در کشورهای منتخب اسلامی داشته، به نحوی که با یک درصد افزایش در متغیر صادرات کالا، رشد فراگیر ۱/۴۲۲ درصد افزایش را تجربه می‌کند.

## ۵. نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف میزان تأثیرپذیری رشد فراگیر از مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان در کشورهای منتخب اسلامی افغانستان، ایران، عربستان سعودی، پاکستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکیه، عمان، کویت، عراق، الجزایر، بحرین، اردن، مالزی، اندونزی، قطر، قزاقستان و امارات متحده عربی با استفاده از داده‌های آماری مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان و رشد فراگیر، که به روش موریس با هم ترکیب شده‌اند، انجام شده است. در این پژوهش، مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان شامل آموزش و توسعه منابع انسانی، سیستم نوآوری و ابداعات، زیرساخت‌های اطلاعاتی، مشوق‌های اقتصادی و رژیم‌های نهادی به‌عنوان متغیرهای توضیحی، رشد فراگیر شامل اشتغال و بهره‌وری، رشد اقتصادی، آموزش، بهداشت، محیط‌زیست، فقر و نابرابری و عدالت جنسیتی به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهای تورم، سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات به‌عنوان متغیرهای کمکی، طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۰ با استفاده از روش FMOLS پانل دیتا در نرم‌افزار EViews تحلیل شده‌اند. آزمون‌های مورد نیاز مانند آزمون ریشه واحد برای تشخیص مانایی داده‌ها، آزمون هم‌جمعی کائو برای تشخیص موجودیت رابطه بلندمدت بین داده‌ها و برای بررسی استفاده از مدل با اثرات ثابت و مدل با اثرات تصادفی از آزمون هاسمن قبل از برآورد مدل استفاده شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که میان متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی رابطه‌ای بلندمدت و معنادار برقرار است و ضریب تعیین ( $R^2 = 0.94$ ) بیانگر توضیح ۹۴ درصد تغییرات متغیر وابسته

توسط متغیرهای مستقل است. سه مؤلفه اقتصاد دانش بنیان -آموزش و توسعه منابع انسانی (۰.۴۱۲)، نوآوری و ابداعات (۰.۱۵۹) و زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری (۰.۰۳۵) - تأثیر مثبت و معناداری در رشد فراگیر دارند، درحالی‌که مشوق‌های اقتصادی و رژیم نهادی اثر منفی (۰.۱۱۷-) بر رشد فراگیر دارند. بیشترین تأثیر مثبت مربوط به آموزش و توسعه منابع انسانی است بنابراین سه مؤلفه اقتصاد دانش بنیان، آموزش و توسعه منابع انسانی، سیستم نوآوری و زیرساخت‌های اطلاعاتی تأثیر مثبتی در رشد فراگیر در کشورهای منتخب اسلامی دارد که در این میان آموزش و منابع انسانی با ضریب (۰.۴۱۲) بیشترین تأثیر را داراست.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین رشد فراگیر و متغیرهای مستقل و کمکی رابطه‌ای بلندمدت و معنادار وجود دارد و ضریب تعیین مدل ( $R^2 = 0.92$ ) بیانگر توضیح ۹۲ درصد تغییرات رشد فراگیر توسط این متغیرهاست. شاخص ترکیبی اقتصاد دانش بنیان تأثیر مثبت و معناداری داشته، به طوری که افزایش یک درصد در آن، رشد فراگیر را ۰.۲۸۱ درصد افزایش می‌دهد. همچنین تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری خارجی اثر مثبت ولی کمتر داشته و به ترتیب افزایش یک درصد، رشد فراگیر را ۰.۰۸۴ و ۰.۰۰۲ درصد افزایش می‌دهد. در مقابل، تورم کل تأثیر منفی و معناداری در رشد فراگیر دارد، به گونه‌ای که افزایش یک درصدی آن موجب کاهش ۰.۰۰۳ درصدی رشد فراگیر می‌شود.

## ۶. پیشنهادها

در راستای بهبود و افزایش رشد فراگیر در کشورهای منتخب اسلامی با توجه به یافته‌ها و نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر می‌توان به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نظام‌های اقتصادی پیشنهادی زیر را ارائه کرد:

۱) با توجه به اثر مثبت مؤلفه‌های آموزش، نوآوری و زیرساخت‌های اطلاعاتی، توصیه می‌شود با فراهم کردن محیط‌های مساعد برای توسعه کسب و کارهای دانش بنیان، از جمله ارائه تسهیلات مالی، حمایت از تحقیق و توسعه، تقویت زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری، ارتقای برنامه‌های آموزشی و آموزش حرفه‌ای در حوزه نوآوری، تشویق کارآفرینی، پشتیبانی از استارت‌آپ‌ها و ترویج فرهنگ کارآفرینی، زمینه افزایش رشد فراگیر در کشورهای منتخب فراهم شود.

۲) با توجه به تأثیر مثبت تولید ناخالص داخلی در رشد فراگیر، توصیه می‌شود با افزایش تولید

ناخالص داخلی از طریق تقویت سرمایه‌گذاری، ترویج کارآفرینی و انجام اصلاحات ساختاری در بازار کار، زمینه تحقق رشد فراگیر فراهم شود.

۳) باتوجه به اثر منفی تورم بر رشد فراگیر می‌توان با استفاده از سیاست‌های پولی مانند افزایش نرخ بهره، سیاست‌های مالی مانند کاهش هزینه‌های دولت، افزایش مالیات و همچنان از طریق اصلاحات ساختاری و کنترل قیمت‌ها تورم را کاهش داد.

۴) توسعه بخش خصوصی: حمایت از توسعه بخش‌های خصوصی و حضور آن‌ها در اقتصاد و حمایت از سرمایه‌گذاری می‌تواند به افزایش رشد فراگیر کمک کند.

۵) تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری: اصلاح و ساده‌سازی قوانین و مقررات مربوط به تجارت و سرمایه‌گذاری می‌تواند به بهبود رشد فراگیر کمک کند.

۶) تشویق کارآفرینی و نوآوری: ایجاد بستری برای تشویق کارآفرینی و نوآوری، حمایت از استارت‌آپ‌ها و ارتقای فرهنگ کارآفرینی می‌تواند به افزایش رشد فراگیر کمک کند.

۷) همکاری‌های بین‌المللی: تقویت همکاری بین‌المللی و افزایش ارتباطات با سایر کشورها می‌تواند باعث افزایش رشد فراگیر شود.

۸) ارتقای همکاری بین دانشگاه‌ها، صنعت و دولت برای انتقال فناوری و ایجاد فضای مشترک برای توسعه فناوری‌های نوین.

## تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

## References

- ADB. (2007). Toward a new Asian Development Bank in a new Asia. [Report].
- Ali, I and Zhuang, J,(2007) Inclusive Growth toward a Prosperous Asia: Policy Implications .ADB Economics Working Paper Series No. 97, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4921562> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4921562>
- Ali, I. & Son, H. (2007). "Measuring Inclusive Growth". *Asian Development Review*, 24(1) 11-31
- Andriy Krysovaty, Iryna Zvarych, Oksana Brodovska, Iryna Shevchenko, Olid-siy Krasnorutskyy, (2023), Development of Inclusive Economic as the Basis of Economic Growth of the Global Economy, Tem Jurnal. Volume 12, issue 2, pages 936- 947.
- Arezki, R. & Nabli, M. (2012). "Natural Resources, Volatility, and Inclusive Growth: Perspectives from the Middle East and North Africa". *IMF Working Paper*, WP.13.152, 1-25
- Asian Development Bank (2016), Tajikistan Promoting Export Diversification and Growth, pp 55- 80
- Deining, K. & Squire, L. (1996). "A new data set measuring income inequality. The World Bank Economic Review, 10(3), 565-591.
- Desi Listyo Rini and Tulus Tahi Hanonaangan Tambunan(2021). Inclusive Growth and Its Determinants Recent Evidence From Indonesia with Provincial Data, *Annals of Social Sciences*. Volume 6 Issue 2.
- Ghafari, M and Mosaddeq, A D. (2019). Investigating the Distributional Effects of Knowledge-Based Economy in Selected Islamic Countries (Fully Modified Least Squares Approach). *Rahyaft*, 32(1), 43-58. doi: 10.22034/rahyaft.2023.11075.1314 [In Persian]
- Ghaffari Fard,M. and Mohammadi,R. (2021). The role of economic resilience on

- the economic growth of selected countries of the Islamic Cooperation Organization(2000-2018). The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, 3(9), 114-139. [In Persian]
- Ghafarifard, M, Sadeghi Khavandi, Mi and Ghaderi, A. (1403). Investigating the impact of knowledge-based economy components on the economic well-being of Iranian provinces. Economic Geography Research, 5(15), 67-83. doi: 10.30470/jegr.2024.2022962.1148 [In Persian]
- Ghafarifard, M. ., and Hosseini, F. (2023). Investigating the Long-Term Economic Impact of Personal Remittances .Official Development Assistance and Foreign Direct Investment in Selected Islamic Countries. The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, 4(4), 27-52. doi: 10.22034/FASI-W.2023.342956.1156 [In Persian]
- Ghasemi, M, Faghihi, M and Alizadeh, P. (2018). Requirements for achieving a knowledge-based economy at the macro level: Analyzing the legal framework in Iran and providing policy recommendations. Economic Research Journal, 18(68), 99-152. doi: 10.22054/joer.2018.8689 [In Persian]
- Gohari, L (2019), Determining a Framework for Measuring Inclusive Growth (A Case Study of Middle- and Upper-Income Countries with a Focus on Iran), Survey of Iranian Economic Issues, Institute for Humanities and Cultural Studies, Bi-Quarterly Scientific Journal (Scientific-Research Article), Year 7, Issue 2, pp. 307-339. [In Persian]
- Hanushek e.A, Woessmann, L(2020)Education, knowledge capital, and economic growth,Editor(s): Steve Bradley, Colin Green,The Economics of Education (Second Edition),Academic Press,2020,Pages 171-182,
- Kacem, S., Abid, L., & Ghorbel-Zouari, S. (2019), Measurement of inclusive growth: evidence from Tunisia. Economics of Development. 18(3): 1-16
- Kahraei, S and Shivaiei, E. (1402). Investigating the impact of knowledge-based companies and innovative startups in science and technology parks on regional economic growth in Iran. Quarterly Journal of Ecosystem Studies,

- Innovation Economics, 3(1), 13-32. doi: 10.22111/innoeco.2021.6619 [In Persian]
- Maleki Nasr, H and Ghafarifard, M (2018) Measuring the Knowledge-Based Economy Space in Different Provinces of Iran with the Turkic Index Approach, Journal of Rahyaft, No. 75, pp. 55-71 [In Persian]
- Mirjalili, S H, Mohseni C, Amin, Safari, O (2018), Studying Factors Affecting Inclusive Growth in Selected OIC Countries, Scientific Research Quarterly of Economic Growth and Development Research, Year 8, No. 32, pp. 48-50. [In Persian]
- Mitra, A., & Das, D. (2018), Inclusive growth: Economics as if people mattered. Global Business Review. 19(3): 756-770
- Mozaffaripour, N (2019), The Effect of Economic Discrimination on Inclusive Growth in Iranian Provinces, Master's Thesis, Alzahra University. [In Persian]
- OECD. (۱۹۹۶). The Knowledge-based Economy. OECD / STI Outlook, Paris
- Popov E. V& Kochetkov, D M 2019. "Developing the Regional Knowledge Economy Index: a Case of Russian Regions," Journal of the Knowledge Economy, Springer;Portland International Center for Management of Engineering and Technology (PICMET), vol. 10(4), pages 1860-1878, December.
- Ramadhani N, Rahmawati F (2021). Analysis of Inclusive Economic Growth in Districts/ Cities in East Java 2015- 2019 (ADB and UNDP Approach), Advances in Economic, Business and Management Research, volume 210.
- Sadeghi, S K (2013). Study of factors affecting inclusive growth in Iranian provinces (generalized moment approach in panel data), Journal of Regional Economics and Development, Year 20, Issue 6, pp. 206. [In Persian]
- Safarzadeh, E and Mozaffarpour, N (2012), Estimating the impact of good governance on inclusive growth in selected countries, Quarterly Journal of Economic Studies and Policies, 20th, Issue 1, pp. 261-263 [In Persian].

Son, H. (2007). "Interrelationship between Growth, Inequality, and Poverty: The Asian Experience". *Asian Development Bank, ERD Working Paper*, No. 96, 1-34.

Stawska, J., & Jabłońska, M. (2022). Determinants of Inclusive Growth in the Context of the Theory of Sustainable Finance in the European Union Countries. *Sustainability*, 14(1), 100. <https://doi.org/10.3390/su14010100>.

Tsokhas, K. (2013), "Poverty, Inequality, and Inclusive Growth in Asia: Measurement, Policy Issues, and Country Studies". *Journal of Contemporary Asia*, 43(1), 201-205

Wilfried Catin(2021). Institutional factors of inclusive growth: Evidence from cot d Ivoire. *Journal of Economics and International Finance*, Volume 13(1). Pp13- 23.